

ستایش

بخشنده: کسی که چیزی را به دیگران می‌دهد.

سنجاقک: حشره‌ای زیبا و تند پرواز با دو

جفت بال بلند و نازک، چشم‌های بزرگ

و شاخک‌های بلند

آفرید: خلق کرد

صمیمی: همدل و مهربان

ساف: پاک

ینه: دشمنی کسی را در دل داشتن

حلّهی ما

عَلّه: قسمتی از یک شهر یا روستا

ثبت‌نام: نام‌نویسی، نوشتن اسم

عادت: آنچه بر اثر تکرار، رفتار همیشگی

انسان می‌شود.

دَقّت: توجّه زیاد

اطراف: دور و بر

بازارچه: بازار کوچک

قنّادی: شیرینی‌فروشی

گنبد: برآمدگی دایره‌ای شکل که بالای

مسجد می‌سازند.

فیروزه‌ای: به رنگ فیروزه، رنگ آبی

مایل به سبز

گلدسته: جای بلندی که د

برای اذان گفتن درست می‌کن

عظمت: بزرگی

بوستان: باغ پر از گل

انتها: آخر، پایان

تیم: گروهی ورزشکار در یک رشته

بخوان و حفظ کن

دیشب: شب گذشته، شب قبل

انگار: مثل این که، شاید

عالی: بسیار خوب